

گهرش چرخ

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: سالاری، مظفر، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآورنده: گوهر شب چراغ / مظفر سالاری.
مشخصات نشر: قم: کتابستان معرفت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص:، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۰۸-۱۷-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
Short stories, Persian -- 20th century
رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۸۷
رده‌بندی دیویی: ۸۵۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۴۰۸۰

www.ketab.ir

عنوان: گوهر شب چراغ
ناشر: کتابستان معرفت
نویسنده: مظفر سالازی
طراح جلد: سید مهدی حسینی
صفحه‌آرا: حامد عطائی فرزانه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۰۸-۱۷-۹
چاپ: ششم ۱۴۰۳
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: زمزم

کتابستان تهران: خیابان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین پلاک ۱۹۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۹۵۹ - ۶۶۹۶۲۹۶۰

کتابستان قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه چهارم، پلاک ۴۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۱۰۷۴ / همراه: ۰۹۱۲۶۳۶۶۹۶۲

پایگاه اینترنتی: www.Ketabestan.net

اینستاگرام: Ketabestan.ir

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان معرفت محفوظ است.

مجموعه داستان‌های مستندی که پیش‌روی شماست، درباره بزرگ‌مردی است که چشم روزگار کمتر نظیرش را به خود دیده است. نزدیک به شصت سال از درگذشت «آیت‌الله حاج شیخ غلام‌رضا فقیه خراسانی» می‌گذرد و هنوز یاد و خاطره‌اش زنده است. نمونه‌ای است از یک روحانی کامل، زیرا مجتهدی بود اهل یقین؛ عابد و زاهدی بود عالمی بود ربانی و مردمی؛ خدا ترسی بود مهربان و ایثارگر و هدایت‌گری بود دلسوزی و بخشنده. با آنکه اهل سازش با حکومت طاغوت نبود، هرگز گوشه عزلت اختیار نکرد و دست از تبلیغ و تلاش نکشید. به همگان بی‌دریغ خدمت می‌کرد و نگاهش به تشکر و سپاس احدی نبود. چنان به حق پیوسته بود که هدفی جز خدمت به خلق نداشت. فقیر و غنی در نگاهش یکسان بودند. عمری ساده زیست و از خود تبلیغی نکرد، اما شعاع بزرگی‌اش چنان بود که تمام بزرگان و نامداران زمان خود را تحت تأثیر قرار داد. خوب بود و خوبی‌اش را مخفی می‌کرد، گرچه خوبی از وجودش تراوش داشت. در برابر خدا، خودی نمی‌دید که خودش را بگیرد و در پی خودنمایی باشد. مردم را دوست داشت و خویش را خدمت‌گزارشان می‌دانست. به همه خیر می‌رساند و چیزی از کسی نمی‌خواست. نگاهش به خدا بود. وارسته بود. از قید آنچه زیادی و دست‌وپاگیر بود، رسته بود. از بندگی به آزادگی و رستگاری رسیده بود. مثل گل بود. عطرش همه را به وجد می‌آورد، هرچند چون گل، برای جلب نظر، عطرافشانی نمی‌کرد. شخصیت و منش او را می‌توان چنین خلاصه کرد: روحی بزرگ و ناآرام داشت، خستگی‌ناپذیر بود و

در هر شرایطی و با تمام وجود، خادم دین و مردم بود؛ بدون چشمداشت و تنها برای رضای خدا. در یک کلام، فرشته‌ای بود که از عرش برین به فرش زمین آمده بود تا دست افتادگان و گمشدگان را بگیرد، به راه آورد، به سرمنزل مقصود رساند و کامشان را از مکارم اخلاقی شیرین کند. حلاوتی که هنوز، با شنیدن حکایاتی که از او نقل می‌کنند، تا عمق جان حس می‌شود.

داستان‌های این مجموعه، جزیکی دو تا، برگرفته از کتاب «تندیس پارسایی» است. آنچه تذکرش لازم است آنکه از مرحوم حاج شیخ، به فراوانی کراماتی مانند طی الارض، تصرف در اشیا، اطلاع از آینده و آگاهی از مافی الضمیر دیگران نقل شده است. در این مجموعه تا جای ممکن به محاسن اخلاقی ایشان پرداخته‌ایم و نه کراماتی که اشاره شد، زیرا بالاترین کرامت ایشان و هر بزرگی، بزرگواری‌های اخلاقی است. از سوی دیگر محاسن اخلاقی می‌تواند الگو و سرمشقی برای دیگران شود. به خلاف کرامات و خوارمادیت که معمولاً در دایره دستاوردهای شخصی، محدود و مخفی می‌ماند و بیشتر سرزنش‌ها را به آن نیست.

نکته دیگر آنکه، آنچه می‌خوانید داستان است، نه حکایت و خاطره. یکی از تفاوت‌های داستان با خاطره یا حکایت مستند، در احوال و تفصیل آن است. داستان، ماجراها را با جزءنگاری و لحظه‌پردازی بسط می‌دهد و حلقه‌های مفقوده و جاهای خالی را با تخیل پر می‌کند تا امکان همذات‌پنداری برای خواننده فراهم آید و احساس کند در فضایی واقعی تنفس می‌کند و خودش ماجراها را از سر می‌گذراند. داستان، میزان درک ما را از حکایت، خاطره، تاریخ و... بسط می‌دهد. همچنان که موسیقی و آواز، به درک و فهم ما از شعر می‌افزاید. شگردهای داستانی را می‌توان چنان به کار گرفت که با کلیت حوادث و رویدادها مغایرت نداشته باشد؛ اما سرانجام آنچه مهم است آنکه داستان با خاطره و هر نوع روایت دیگری از زندگی، تفاوت‌هایی اساسی دارد.

سال شمار کوتاه زندگی آیت الله حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی

شمسی

- مرداد ۱۲۵۷ تولد در مشهد، از پدر و مادری یزدی.
- بهار ۱۲۷۶ سفر به یزد به همراه آقا نجفی قوچانی.
- سفر به اصفهان به همراه آقا نجفی قوچانی برای تحصیل فقه و اصول.
- تابستان ۱۲۷۶ شرکت در درس بزرگانی مانند میرزا جهانگیرخان قشقایی، سید محمد تقی تبریزی و آخوند کاشی.
- هجرت به نجف و ادامه تحصیل.
- ۱۲۸۱ شرکت در درس نام اوزاری، جعفر سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، آخوند خراسانی، میرزای اصفهانی، شیخ محمد باقر اصطهباناتی و شیخ محمد حسین اصفهانی تهرانی.
- ۱۲۸۵ بازگشت به ایران.
- ۱۲۸۶ وخیم شدن بیماری چشم، برگشت به یزد به اصرار مادر. ازدواج با یکی از خویشان به نام بانو کلانتر.
- ۱۲۸۸ دور ماندن از تحصیل به علت چشم درد و تراخم. رو آوردن به تبلیغ.
- ۱۲۸۹ آغاز امامت جماعت در مسجد ریگ یزد که تا پایان عمر ادامه یافت.
- ۱۳۳۰ دعوت از آیت الله صدوقی برای بازگشت به یزد.
- ۱۳۳۸ درگذشت در ۸۱ سالگی و آرمیدن در بارگاه امامزاده جعفر یزد.

از منظر دیگران

«حاج شیخ همه‌کاره من و صاحب اختیار من است. بگویید ما را دعا کند.»

آیت‌الله العظمی بروجردی

«سلمان زمان هست. این امام زمان (عج) حرمت دارد.»

آیت‌الله العظمی سید یونس اردبیلی

«خوشا به سعادت حاج غلام‌رضا! ما کجا و او کجا!»

«خداوند قدرت دارد افرادی را همانند حاج شیخ غلام‌رضا تربیت کند،

ولی زمانه ما ظرفیت چنین شخصیت‌هایی را ندارد!»

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت

«تندیس پارسایی، راست‌گویی و بی‌آلایشی است.»

علامه شیخ آقابزرگ تهرانی

«اگر او را می‌دیدید، با همان دیدن، پاسخ سؤالتان را می‌گرفتید.»

علامه محمدتقی جعفری

«وقتی حاج شیخ غلامرضا به قم می‌رفت، آقای بروجردی طلبه‌ها را جمع می‌کرد تا حاج شیخ برایشان حرف بزند.»
 آیت‌الله العظمی حائری طبرسی

«من فقط دو نفر را در عمرم دیدم که خالی از هوای نفس بودند. یکی مرحوم حاج شیخ حسین زاهد در تهران و دیگری مرحوم حاج شیخ غلامرضا در یزد، اما همت عالی مرحوم حاج شیخ غلامرضا را هیچ‌کس ندارد!»

آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری

«خودش را از هر جهت آماده تحمل مشقت‌های تکلیف کرده بود.»
 علامه محمد رضا حکیمی

«حب دنیا را از دل بیرون کرده بوده پس همین بارها خانه‌اش را فروخت و پولش را به فقرا داد.»

آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی

«ایشان عجب تفسیری ارائه کردند! خیلی عمیق و جالب بود! آیا یزد چنین بزرگانی دارد؟!»

امام خمینی (پس از شرکت در منبر حاج شیخ در قم)

«این‌ها انسان‌هایی پیامبرگونه‌اند ... من مفهوم "آیت‌الله" را در این شخص، معجم می‌دانستم.»

آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی

«معنویت عجیبی داشت و منبری پرمغز!»

آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی

«در عمرم دو نفر را دیدم که نظیر ندارند. یکی حاج شیخ در یزد و دیگری میرزا علی شیرازی در اصفهان.»

«مردم! تا حاج شیخ را دارید، منتظر بلا و گرفتاری نباشید. به برکت ایشان برکات خدا بر شما نازل می‌شود!»

شهید محراب، آیت‌الله صدوقی

«منبر حاج شیخ غلام‌رضا و حاج شیخ جعفر شوشتری بی نظیر است!»

آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین قمی

«به یزدی‌ها بگویید حاج شیخ غلام‌رضا حجت زمان است. چهل سال است در نجفم. بیست نفر از ما مجتهد را مرجع تقلید شدند، ولی هیچ‌کدام حاج شیخ غلام‌رضا نمی‌شوند!»

آیت‌الله‌العظمی سید جمال‌الدین گلپایگانی

«آیت‌الله‌العظمی بروجردی، استاد عرفان و توحید. فرمودند: "اگر حاج شیخ غلام‌رضا به قم آمد، رهایش نکن!" در سال ۱۳۲۲ که حاج شیخ به قم آمدند، بنا به اصرار به حجره ما آمدند و از درس ایشان استفاده کردیم. ایشان زمینی نبود!»

آیت‌الله شهید مطهری

«از مقامات معنوی و کرامت برخوردار بود. از نفوذ کلام ایشان معلوم بود در درون خبری هست که به بیرون تراوش می‌کند.»
آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

«شما سرباز بیابانی امام زمان (عج) هستید!»
آیت‌الله‌العظمی میلانی (خطاب به حاج شیخ)